

## بی هنران بدانند ایران تمدنی بیش از ۱۰ هزار سال دارد

خاکسار؛ عبدالعظیم رضایی که ۷۰ سال دارم و پنجاه سال در راه سر فرازی و سر بلندی خاک پاک ایران و ملت فرزانه ایران گام برداشته و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده ام خودم را خاک زیرپای هر ایرانی فرهیخته میدانم؛ زبانم به گفتن ایران و ملت ایران قلمم به نوشتن ایران و توده ایرانی؛ اندیشه ام ایران؛ گفتارم ایران و کردارم ایرانی است. چندی است که از فردی که از ملت و تاریخ و فرهنگ ایران بیگانه است و هیچگونه هنر و خردی در فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران ندارد به پهنه تاریخ نگاری گام نهاده و خاک این مرز و بوم و ملت آن را با نا بخردی هرچه بیشتر پایمال می کند و شگفت آور آنکه برخی از نا بخردان دیگر از این فرد قردانی و سپاسگذاری می کنند و به او ارج می نهند که خوشبختانه فرهیختگانی چون آقای جهانشاهی و سر کار خانم پریسا جعفری پاسخ هایی دندان شکن به او داده اند و خود من هم در فروردین ۱۳۷۸ در روزنامه (آفتاب امروز) پاسخی دندان شکن به آن فرد دادم و چاپ هم شد. اینان بدانند؛ ایران تمدنی خیلی بیش از ده هزار سال دارد. (کتاب به دنبال روشنایی یا تاریخ تمدن سه هزار ساله ایران؛ نوشته استاد عزیز طویلی) با خود می گفتم: بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویش گیرم؛ ولی دیدم هفته نامه شما بیش از اندازه بی {...} را بزرگ می کند. پس بر آن شدم که ناگزیر پاسخ گفته های آنها را بدهم (چو ایران نباشد تن من مباد).

پیش از آنکه به گفتگو درباره جستار هخامنشیان و آریایی بودن آنها بپردازم؛ کوتاه سخنی درباره پیدایش واژه ایران؛ نامی که بر سرزمین کهن سال ما گذاشته شده می گوئیم: باید دانست این واژه بسیار کهن است و همانند خود آریایی ها زندگی پس درازی دارد و در زبانهای هندوایرانی به شکل (ایریه) و (آریه) و (اریه) که به معنای آزاده و نجیب است به کار می رفته و نامی است که هندوها و ایرانیان باستان به خود می دادند. در سنگ نوشته های هخامنشی (آریانام)؛ (ایران) و آریان و در شاهنامه استاد سخن روانشاد فردوسی (ایران) آمده است. در سنگ نوشته های هخامنشی؛ داریوش خود را آریایی می خواند و نیای پنجم داریوش؛ (آریارنا) نام داشته است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به تاریخ ده هزار ساله ایران؛ جلد یکم نوشته نگارنده و گنجینه تاریخ ایران ۱۲ جلدی؛ جلدهای یکم و چهارم و پنجم نوشته نگارنده) و اینک می پردازم به تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانیان.

چارلز برلی تز نویسنده و پژوهشگر نامور انگلیسی می نویسد: (در پیمایش بررسی ها و کاوش های باستان شناسان؛ دیرینگی برخی از ابزار آغازین بشری به شرح زیر است:

۱- ابزار دست ساز یافته شده در باختر ایران ۱۰۰,۰۰۰ سال

۲- تبر های دست ساز در مالووی ۵۶,۳۰۰ سال

۳- کتان مس و بیرون آوردن مس ازکان رودزیا ۴۰,۰۰۰ سال

۴- استخوانها با نشانه های گاهشماری در فرانسه ۳۰,۰۰۰ سال و...

ایرانیان اندیشمند در ۷۵۰۰ سال پیش ابزارشخم زنی (خیش) را پدید آوردند (گنجینه تاریخ ایران؛ جلد یکم) و (تاریخ تمدن سه هزار ساله ایران نوشته استاد عزیز طویلی انتشارات فروهر) ورزش باستانی ایران دیرینگی ۱۰۰,۰۰۰ ساله دارد (تاریخ هرودت؛ جلد دوم)

ایرانیان باستان تا آنجا که روشن شده به گیاه شناسی و درمان بیماران با گیاهان پیشینه توجه داشته اند و قدمتی ۱۰,۰۰۰ ساله دارد (تاریخ طب در ایران دکتر نجم آبادی).  
"گارسزار" در ۸۵۰۰ سال پیش روی رودابه مادر رستم تهمتن انجام شد (به وسیله ثریت پزشک نامدار ایران) و پس از گذشت هزار سال این عمل سزارین روی مادر ژول سزار فیصر روم به وسیله پزشکان ایرانی انجام شد و با سد افسوس و دریغ که این کار پر ارج ایرانیان به نام ژول سزار (سزاریون) نامیده شد در صورتی که بایستی رستمیون نامیده می شد (تاریخ طب در ایران؛ جلد یکم؛ دکتر نجم آبادی و تاریخ پلوتارخوس؛ تاریخ نگار یونانی).

ایرانیان در پیش به فن شعر گفتن آگاهی داشتند و با سبک ویژه ایرانی شعر می گفتند (گات ها سروده های اشوزرتشت) و) هشت هزارسال شعر پارسی در ایران؛ نوشته استاد دکتر رکن الدین همایونفرخ) ایرانیان هوشمند در بیش از ۷۰۰۰ سال پیش به فن آب کردن فلز آشنا بودند و کارگاههای ذوب فلزات پیشرفته ای داشتند (کتاب هفت هزار سال فلزکاری در ایران؛ نوشته استاد؛ دکتر محمد تقی احسانی؛ انتشارات علمی فرهنگی) ابزار جنگی و خانگی بیش از ۱۰,۰۰۰ سال پیش در لرستان ساخته می شد نگاره های آنها را در جلد یکم گنجینه تاریخ ایران ببینید و همچنین در تمدن ایران باستان در کتاب استاد؛ دکتر علی سامی با نگاره آنها نگاه کنید (تندیس های شایان ستایش مهری دینان ایران را در ۱۲,۰۰۰ سال پیش در کتاب میترانیسم یا مهر پرستی در ایران نوشته استاد هاشم رضی و گردونه مهر نوشته دکتر بختورتاش نگاه کنید جمله خسته تره اهورهی مزدا به معنی بنام خداوند بخشنده مهربان راکه در ۸۵۰۰ سال پیش از زبان و خشور ایران اشوزرتشت روان شد. در اوستا بنگرید و ببینید چه کسی پیش از آن والا مرد هوشمند ایرانی خدا به یگانگی پذیرفته و راه خوشبختی را برای نخستین بار چه کسی برای انسان ها پدیدار ساخته؟ اشوزرتشت برابر سندها و مدرکهای فراوان در ۸۵۰۰ سال پیش چشم به جهان گشوده و برای نمونه چند تن از دانشمندان یونانی و ایرانی و هندوستانی رادر زیر می آورم: پژوهش های پیش از تاریخ ایران در سالهای ۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی) زیر سرپرستی "روبرت بریدوود" باستان شناس نامور آمریکایی در کرانه کرمانشاه انجام گرفت ابزار سنگی و تبر دستی مربوط به آشولین یافت شد و بریدوود بارادیوکربن دیرینگی آنها را در مرز ۷۵,۰۰۰ سال تا ۱۰۰,۰۰۰ سال پیدا کرده است (تاریخ تمدن؛ دکتر علی سامی) (این سال ها در کتابهای استاد ایرج افشار سیستانی آورده شده است) و بپردازیم به دیرینگی پیدایش اشوزرتشت: گر نبیند به روز و شب پر چشم چشمه آفتاب را چه گناه.

۱- اگزان توس Xantus نویسنده و تاریخ نگار پر آوازه یونانی که در سده ی پنجم پیش از میلاد می زیست، روزگار زرتشت را ۶۰۰۰ سال پیش از لشکر کشی خشایار شاه به یونان نوشته است.

۲- دیوژنی لرتیوس Lrtus - Di ogenes پژوهشگری که در ۲۱۰ سال پیش از میلاد می زیسته سخنانی از اگزان توس یاد کرده و پیدایش زرتشت را همانند او ۶۰۰۰ سال پیش از خشایار نوشته وی افزون بر نوشته اگزان توس سخن دیگر هم از هر مودوروس شاگرد افلاتون یاد می کند و بنا به گفته او، روزگار زرتشت را ۵۰۰۰ سال پیش از جنگ ترویا Toroya می داند.

۳- افلاتون - این دانشمند و پژوهشگر نامی در سال ۴۲۹ پیش از میلاد چشم به جهان گشوده و کتابی دارد به نام آلکی بیادس که در آن کس در آن کتاب، پیدایش زرتشت را

۶۰۰۰ سال پیش از مرگ خود نوشته است.

۴- پلینیوس Plinyus دانشمند بزرگ رومی که در سال ۲۳ پس از میلاد زاده شده تاریخی به نام تاریخ طبیعی دارد که در آن کتاب زمان زرتشت را ۵۰۰۰ سال پیش از جنگ ترویا نوشته است.

۵- پلوتارخوس Plutarkhus یا پلوتارک یونانی در سال ۴۶ پس از میلاد زاده شده ، در کتاب خود می گوید : ۵۰۰۰ سال پیش از افلاطون و پنج هزار سال پیش از جنگ ترویا زاده شده است. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به کتاب اصل و نسب و دیدنیها ایرانیان اندیشمند در ۱۴۰۰۰ سال پیش و ماه و هفته ها و روز ها و ماه و روزهای هفته آگاهی داشتند. برای نمونه پس از گذشت چهارده هزاره سال اکنون اروپائیان و آمریکائیان روزهای هفته ی ایران باستان را به لاتین در آورده و به نام خود نوشته اند که دو سه نمونه از آن را یاد آور می شوم. ایرانیان باستان یکشنبه خورشید روز می گفتند که امروز شده(سان دی) و دوشنبه را " ماه شید روز " می گفتند که امروز ( مان دی) شده و....(بنگرید به تاریخ نوروز و گاهشمار ایرانیان نگارنده، نوشته نگارنده، چه اقبال) فردی که با بی هنری ویی سوادی می نویسد واژه های ایرانی از عربی گرفته شده بگویند ببینم : "گزیت" ایرانی که در عربی " جزیت" شده، ایرانی است یا عربی؟

"مزگت" به معنی پرستش گاه و خانه خدا که در ۱۲,۰۰۰ سال پیش در ایران ساخته شده و به عربی؟ واژه گنج که هزاران سال پیش از اسلام در ایران بودهوبه عربی "کنز" شده آن هم از عرب گرفته شده؟ واژه موبایل به معنی همراه که در بیش از ۱۱,۰۰۰ سال پیش در ایران به این نام نامیده می شده است زبان ایرانی یا زبان بیگانه؟ دهها هزار واژه ی دیگر عربیها و اروپائیان از ایرانیان گرفته و به نام خود کرده اند.

ناگزیر سخنی کوتاه درباره ی هخامنش برای هم میهنان می آوریم :هخامنش مردمی فرزانه و آریائی نژاد و از اهل پارسی بودند و تمدن درخشان بر پا کردند که تا آن روز و پس از آن کسی ندیده و نشنیده است. سنگ نیشته ها و منشور های کورش و داریوش که بر سر سازمان ملل متحد چسبانده شده نمایانگر تمدن و فرهنگ و دانش و بینش هخامنشیان و همه ی مردم دنیا بر آن تمدن آفرین می گویند و شگفت زده می شوند .هخامنشیان کسانی هستند که در تورات مقدس نام آنها به نیکی آمده و ستوده شده است و کورش و داریوش را رهاننده بنی اسرائیل یاد آور شده اند آیا برای ملت ما ایران جای سر افزای نیست که کتاب آسمانی تورات از شاهان هخامنشی یاد کند؟ اگر خط میخی را که هخامنشی ها بر سنگها نوشته اند از سومریان است باید دانست که سومریان هم نیاکان ما و آریائی نژاد بودند و نه سامی نژاد (در کتاب نیاکان سومری ها، نوشتهی دکتر سجادی ( در باره ی راد مرد ایرانی فردوسی بزرگ پس از این سخن خواهم گفت و هم چنین درباره ی هخامنشیان.

در پاسخ یکی از سپاسگزاران دشمنان ایران بایسته است بگوئیم: که بودیم و رو است از دانشمندان تاریخ پیرسیم اکنون کجاییم)

هر که مهر میهنش در دل نباشد کافر است

این سخن فرموده ی زردتشت پاک و برتر است

هست ایران مادر فرزند ایرانت پدر  
کوششی کن گر تورا مهر از پدر وز مادر است  
خسروان پیش نیاکان تو زانو می زند  
این گواهم نقشه ی شاپورو نقش قیصر است  
این همان ملکی است کاندر باستان بینی دراو  
داریوش از مصر تا پنجاب فرمان گستر است

عبدالعظیم رضایی- تاریخ نگار، نویسنده پژوهشگر، استاد پیشین تاریخ در دانشگاه

و خاک زیر پای ملت فرهیخته ایران

### قسمت دوم:

=====

همانگونه که در مقاله پیش گفتیم و در برگ هشتم هفته نامه "امید جوان" چاپ شده و صدها {۱۰۰ها} تن از دانشمندان و بزرگان فرهیخته ادب و تاریخ ایران به وسیله ی تلفن به من شادباش گفتند و مرا مورد آفرین قرار دادند. من حتی خواستم قلم خود را با نوشتن نام کسانی که تاریخ ما را خدشه دار می کنند در نوشته ام بیاورم:

ایرانیان در روزگاری بسدراز به این سرزمین پاک گام نهاده و چون در دامنه ی کوه ها نشیمن کردند و دامنه ی کوه را به زبان خودشان (پهلوی) می گفتند خودشان هم به پهلوی نام دار شدند. آقای ناصر پور پیرار که بدبختانه دانسته اند و نتوانسته اند بخوانند و درک کنند که می گفتم در ایران باستان جای نیایش و نمازگذاری را "مزکت" می گفتند و این واژه در عربی به "مسجد" دگرگون شده (لغت نامه ی دهخدا، واژه ی مزکت و فرهنگ نفیسی نوشته ی نام الا اطبا و فرهنگ های دیگر) واژه "مهراب" در واژه نامه ها و بویژه در کتابهای استاد دکتر فریدون جنیدی و استاد هاشم رضی و دهخدا بخوانند و بدانند که همین "مهراب" به معنی به "ربخورشید" و نور و جای پاک و ارجمند بود که به زبانهای سامی راه یافت و در تورات و زبان عرب "محراب" نوشته شد. نیازی به دوباره گفتن ندارم، این آقا بروند و کتاب "تاریخ طب در ایران پیش از اسلام" نوشته دکتر فرزانه نجم آبادی برگ های ۲۲۹ تا ۲۳۴ و تاریخ "هرودت" و دیگر کتابهای دانشمندان تاریخ را بنگرد و ببینند که "سزاریون" نخستین بار روی مادر رستم (رودابه) در ۸۵۰۰ سال پیش انجام شده یا نه . درباره دیرینگی زایش زرتشت بروند و کتابهایی که در مقاله پیش گفتیم بخوانند و بدانند که

فردی ملت ستیز و دشمن توده ایران هستند. تاریخ ایران از روزگار هخامنشیان نیست بلکه هزاران پیش از هخامنشیان است آقای پورپیرارا. گر نبیند به روز شب پره چشم/ چشمه آفتاب را چه گناه؟

برای اینکه از تاریخ ایران آگاهی یابید و بدانید که تاریخ یعنی چه به کتاب تاریخ حبیب السیر نوشته خواند مهر کتاب ۱۵ جلدی روضة الصفا نوشته محمدبن خاوند شاه بن خواند و تاریخ مردم؛ ایران پیش از اسلام نوشته استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب و کتاب (پارسیان اهل کتابند) نوشته پروفیسور رضوی و سدها کتاب تاریخ از دانشمندان بزرگ ایران و جهان و تاریخ ۱۰ هزارساله ۴ جلدی و گنجینه تاریخ ایران ۱۲ جلدی من نگاه کنید و این را هم بدانید که تاریخ ۱۰،۰۰۰ ساله من به چاپ پانزدهم رسیده و ناشری بزرگ و ارجمند و با پیشینه سد سال چاپ و نشر و آپرومند آنها را به چاپ می رساند (اقبال) آقای پورپیرارا این را بدانید که شما آن توان و سواد آن را ندارید که بتوانید با گفته ها و نوشته های ناپاک و ریشخند آمیز و ملت ستیز خود؛ اشوزرتشت؛ ابن مقفع؛ ابن مقفع؛ مزدک؛ مازیار؛ مانی و سدها و هزاران پارسا و دلاور ایران را زیر پرسش ببرید.

زحمت من برای مقصودی است/ جست و خیز تو بهر ملتسمی است کسانی شما را واداشتند که نام با فر و شکوه ایران را خراب کنید و خود فروشی نمایید. من تاریخ فروش و بیسواد نیستم و خوشبختانه هم اندیشان بسیاری دارم و پنجاه جلد کتابهای من هم با سند و مدرک هستند. این شماست که نابخرد هستید و خود را به مسخرگی زده اید و تنها بوده و مورد سرزنش و نکوهش خرد ورزان قرار گرفته اید. آیا شما می دانید که نه تنها ۵۰ درصد وازه های عرب از ایرانیان گرفته شده بلکه گروهی از اعراب نیز از نژاد و تخمه ایرانیان هستند. آقای پورپیرا من درد و رنج شما را می دانم کتابی که شما نوشته اید جوکی بیش نیست این را همه ناشران و نویسندگان می گویند. من پنجاه سال است تاریخ و ادیان می نویسم و هیچ یک از کتابهایم به بیش از شش ماه نکشیده؛ فروخته شده؛ ولی نوشته های شما بسیار ناپاک و ایران ستیز و آلوده به میهن فروشی است.

درباره گاهشماری و سزاریون و سنگ نوشته های داریوش و کورش و اشوزرتشت به اندازه ای بسنده در همه کتابهایی که ایرانیان و بیگانگان نوشته اند و خود من در تاریخ های خودم که از سدها تاریخنگار و پژوهشگر نامور ایرانی؛ رومی؛ یونانی؛ هندی؛ و دیگران سند و مدرک آورده ام. اگر در پندار بیهوده شما؛ ریشخند آمیز و کثیف نیست بخوانید و از تاریخ ایران آگاهی یابید برای فرزندان این مرز و بوم بگویید که سرچشمه و منبع نوشته های شما از کجاست؟ برای من روشن است که از کتابهای نین و استالین گرفته اید؟. چون من همه سخنان و گفته هایم را با مدرک و سند آورده ام؛ شما هم مدرکی بیاورید. من دکترا در تاریخ و ادیان دارم و روزگاری دراز در دبیرستان ها و دانشگاه ها درس تاریخ و ادیان داده ام و هنوز نه خانه ای دارم نه ماشینی و نه اثاث خانه ای. مدرک دانش آموختگی شما چیست؟ آقای پورپیرارا اگر نمی دانید؛ بدانید که پیامبر گرامی و بزرگوار اسلام؛ ایرانیان را به دانش و فرهنگ ستوده اند و می فرمایند:

لو كان العلم معلقاً بالثریا لتناولہ رجال من الفارس ( اگر دانش در ستاره ثریا باشد تیره عجم به آن دست می یابند) (کتاب مسندابن حنبل بخش 1- جامع صغیر سیوطی- فارسنامه ابن بلخی- ترجمه تاریخ نیشابور به نقل از صحیح مسلم؛ برگ سوم (یکی از کتابهای صحاح سته-) سفینه البحار) ماده فرس)- کتاب ضحی الاسلام(پرتو اسلام) نوشته، احمد امین مصری، برگ 109 - کتاب نقش ایران در فرهنگ اسلامی، دکتر علی سامی، برگ (19)

هنگامی که پیامبر با فر و شکوه اسلام، درباره ایرانیان، چنین داوری می کنند. برای شما جایی نیست که ایرانیان چنین داوری می کنند، برای شما جایی نیست که ایرانیان فرزانه و خاک پاک ایران را به باد ریشخند بگیرید. مردمان کشور های جهان حتی برای خود اسطوره میسازند تا شاید برای ملیت و نژاد خود جایی بیابند و خودشانرا بشناسانند، ولی شما نجات ایرانیان را زیر پرسش برده اید. چرا؟ از چه کسی و کسانی و از چه جایی پول می گیرید که میهن و ملت ایران را پیمال می کنید و خوار می نمایید و خود فروشی و مزدوری می کنید؟

### داغ ننگی زدی بر سر و پیشانی خویش

که به سد آب خزر ها نتوانیش زدود

شما نوشته اید " میهن ما " خیلی شگفت آور است که شما از میهنی دم می زنید! پس چگونه این میهن را به باد ریشخند گرفته اید و یاوه سرایی را به اوج رسانیده اید؟ نوشته های من و شما را مردم والای ایران دانشمند فرهیخته ایران و تازیخ گذاران فرزانه ی ایران داوری می کنند، تا چه پذیرفته شود و چه در دید آید. تا سیه روی شود آنکه در آن غش باشد. شما هخامنشیان را ولگرد و بی سروپا میدانید! آیا تاکنون کتابی در باره ی هخامنشیان از استاد دکتر محمد مقدم - تز دکتر علی سامی - از استاد دکتر غلامعلی همایون - تز پرفسور عباس پور محمد علی شوشتری (مهرین) از استاد عبدالرفیع حقیقت رفیع - از استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب - از پروفیسور پی. یر بریان- از کامل ان اشیر و سدها تاریخ نگار و پژوهشگر ایرانی و بیگانه خوانده اید؟ روشن و آشکار است که خیر؟ شما بزرگوار و دانشمندی چون روانشاد را زیر پرسش برده اید! کسی که نام ایران را با سند و مدرک، و با فرو شکوه کرده و بیگانگان به نام این بزرگوار سرفرازی می نمایند و به او پس از هزار سال آفرین می گویند و برایش هزارسال آفرین می گویند و برایش هزاره می گیرند. تا اندازه ای به خود بیاید و ببینید پیش از انقلاب چه کاره شده اید؟ شما می خواهید اینگونه خود را به مردم بشناسانید که تنها و تنها تاریخ نویس شماید و همه ی تاریخ نگاران فرزانه ی ایران، دروغگو و دروغ نویس و بی سواد بودند و هستند .

شما اگر فرهنگ فارسی به پهلوی و پهلوی به پارس دکتر فره وشی را بخوانید آن هنگام خواهید دانست که دست کم ۵۰ درسد واژه های عربی، اروپایی و آمریکایی از ایرانیان گرفته شده است. در پیش از ایرانیان گرفته شده است. در پیش از ۸۵۰۰ سال پیش ما ایرانیان خط دین دبیره داشتیم که با ۳۲ حرف ساخته میشد در آن روزگار کدام کشور، خط و زبان داشتند؟ آیا خط میخی از سومریان که نیاکان ما بودند پس از هزار سال از خط دین دبیره گرفته نشده؟ واژه دوزخ پارسی در زبان عرب دوزخ نشده؟ آیا "پل چینونت" که به باور داشتند و دارند در زبان یهود و عرب پل صراط نشده است؟ آیا پادیاب که به معنی پاکی و پاکیزگی است در زبان های دیگر به وضو دگرگون نشده است؟ اشو زرتشت برای پیروان خود گفته تا آن روزگار، ملتی، کشوری و جایی این نیایش را میدانست. بس کنید و تا این اندازه به ایران و مردم آن نتازید.

شما با این نوشته های ننگین خود گفته تا آن روزگار، ملتی، کشوری و جایی این نیایش را می دانست. بس کنید و تا این اندازه به ایران و مردم آن نتازید.

شما با این نوشته های ننگین خود در پیشگاه ملت ایران رو سیاه هستید و خواهید بود. اگر به یاد ندراید و فراموش کرده اید، من به یاد دارم و در و در صورتی که بایسته باشد برای

### ملت خواهم گفت:

کسی که از پدران ننگ داشت نامرد است

که مرد را شرف باب مام، نام دهد

ز درس حکمت و آداب رفتگان مگس

که این گسستگی است خواری مدام دهد

نسیم صبح که بر سرزمین ما گذرد

ز خاک پاک نیاکان، تو را سلام دهد

خدانگهدار ملت هوشمند ایران باد

عبدالعظیم رضایی- تاریخ نگار، نویسنده پژوهشگر، استاد پیشین تاریخ در دانشگاه

### نادانسته ایرانیان قبل اسلام را بی فرهنگ نخوانیم

روزگاری (در مرز هزار سال پیش) کشورهای با فرهنگ آن دوران چون: یونان، مصر، روم، بابل کلد، آشور و سراسر جزیره العرب به خدایان دست ساز خویش چون: بعل، مردوک، آشور، شینتو (Shinto)، شیوا، لات، منات، عزى وهیل وری می آوردند، نیاکان فرزانه ما یکتا پرست و خدا شناس بودند و تشنگان دانش و شناخت را از آبشخور خرد و اندیشه ی والای خوش سیراب می ساختند. در همه کارهای خود به سه ریشه: اندیشه ی نیک، گفتار نیک، کردار نیک به درستی باور داشتند و کارهای خود را از روی این سه ریشه انجام میدادند. روزگاری که در بین هیچ کشور و ملتی خدانشناسی در بین نبود، ایرانیان هوشمند با آموزش و پرورش و پیامبر ایرانی، بهترین جمله خشنه تزه اهورا مزدا (بنام خداوند بخشنده مهربان) بر زان می راندند و با نام خداوند یکتا کارهای خود را آغاز می نمودند و جهانیان را به شگفتی ا می داشتند. از برکت های همین آموزش ها بهداشت را رعایت می کردند و آب را به هیچ وجه آلوده نمی ساختند. در همان دوران که هیچ یک از کشورهای جهان، خواندن و نوشتن نمی دانستند، ایرانیان 32 حرف دین و دبیره را پدید آورده و با آن می نوشت. گاه شمار را در مرز 12 تا 10 هزار سال پیش پدید آوردند و روزهای هفته و بخش کردن سال به دو پاره) تابستان بزرگ از آغاز فروردین تا پسین روز مهر ماه و زمستان بزرگ از آغاز آبان ماه تا واپسین روز اسفند ماه.) در سراسر گیتی هیچ توده و تیره ای به اندازه ی ایرانیان به گاهشماری و تاریخ نگاری دلبستگی نداشته و هیچ ملتی چون ایرانیان دارای آن همه سنجش های اندازه گیری زمان از سده ها و هزاره ها و سالها خورشیدی و قمری گوناگون سالها، ماه ها، هفه ها روز ساعت، دقیقه و... با نام و نشان های جداگانه نبوده است. پیشرفت دانش اختر شناسی و به ویژه کرنولوژی و تاریخ گذاری در ایران باستان و روشن ساختن درازی سال خورشیدی با چنان ژرف نگری و باریک بینی انجام شده که به راستی شگفت آور است در حالی که بیشتر توده ها و تیره ها بخش کردن سال، ماه

هفته رانمی دانستند؛ در ایران چندین گونه دستگاه گاهشماری و جند دسته نام برای ماه های دوازده گانه و برای هرروز ماه نامی و برای هر روز هفته نامی دیگر داشته و کبیسه در 8500 سال پیش باهوش و اندیشمندی زرتشت ساخته شد. روزهای هفته آمریکانیان و اروپاییان از نام روزهای هفته ایرانیان گرفته شد؛ برای نمونه در ایران باستان؛ روز یکشنبه را خورشید؛ روز دوشنبه را ماه؛ روز و ... می گفتند که غربی ها از ایرانیان گرفته و به نام های: سان دی؛ مان دی و... نامیدند. ایرانیان هوشمند از ده هزار سال پیش به دانش پزشکی و داروهای گیاهی پی برده بودند و شکافتن و دوختن زخمها و بیرون آوردن بچه از پهلوی مادر رابه خوبی آموخته بودند. برای نمونه: هنگامی که مادر رستم (رودابه) درد زایمان گرفته و سیله پزشک دانشمند ایرانی به نام thrit و دانشمند بزرگ دیگر ایرانی به نام (شنن مرغ) (saena-maregha) با به کار بردن شیر هئوم Haoma؛ خنجری را گند زدایی کرده و پهلوی رودابه را شکافتند و بچه را بیرون آورده و پارگی را دوختند که این کار هم انگیزه شگفتی بسیار در جهان آن روز شد. زیرا هم بچه تندرست بیرون آورده شد و هم زخم پهلوی رودابه به زودی خوب شد. باید دانست که پس از گذشت هزاران سال این دشواری برای مادر ژول سزار قیصر روم پیش آمد و تا آن روز پزشکان رومی بویی از شکافتن و دوختن زخم ها نبرده بودند؛ ناگزیر از پزشکان ایران یاری خواستند و این پزشکان نامی ایران بودند که بچه را (ژول سزار را) از شکم مادر بیرون آوردند و بدبختانه این کار استادانه پزشکان ایرانی به نام (سزاریون) نامبردار شد؛ در حالی که بایستی این کار به نام (رستمیون) نامیده می شد. (تاریخ طب در ایران پیش از اسلام نوشته دکتر نامور ایران به نام دکتر نجم آبادی). ایرانیان هوشمند در مرز ده هزار سال پیش سرودن شعر را به خوبی می دانستند و آشو زرتشت کتاب مقدس گات ها را به زبان شعر سروده و شاعرانی بزرگ نیز در ایران بوده اند که به خوبی و روانی شعر می سرودند. (کتاب هشت هزار سال شعر پارسی در ایران؛ نوشته دکتر رکن الدین همایونفر در دو جلد) و نیز به فلزکاری بیش از ده هزار سال پیش آشنا بوده و کوره های ذوب فلزات داشتند و فلزهای گوناگون را در هم آمیخته؛ فلزات دیگری پدید می آوردند (کتاب هفت هزار سال فلز کاری در ایران؛ نوشته استاد محمد تقی احسان؛ انتشارات علمی و فرهنگی) ملت فرزانه ایران همانگونه که گفته شد از هزاران سال پیش؛ دین؛ فرهنگ؛ دانش و هنر و صنعت های گوناگون را به جهانیان آموخته و با همه فراز و فرودهایش؛ روی پای خود چون کوهی استوار و پابرجا ایستاده و از آموختن و آموزاندن به ملت های دیگر دریغ نکرده اند. ایرانیان از روزگار مادها به ساختن پیل الکتریکی و از به هم پیوستن آنها برق پدید آورده و آن را بوسیله دو سیم وارد دستگاه آبکاری کرده و فلزات را آب طلا و آب نقره می دادند (برای آگاهی بیشتر به کتاب گنجینه تاریخ ایران؛ جلد سوم بخش مادها؛ ص 567 و 568 نگاه کنید). برای نخستین بار یک باستان شناس آلمانی به نام ویلهلم کونیک؛ یک پیل الکتریکی اشکاتیان را پنجاه سال پیش در مرز ایران و عراق در دهکده ای در پیرامون بغداد در کلبه یک کاهن یا کیمیاگر ایرانی به دست آورد. پس از سه هزار سال که ایرانیان به ساختن پیل الکتریکی پی برده بودند؛ شخصی به نام لونجی گالوانی دانشمند ایتالیایی در سال 1786 میلادی پدید آورد که از هر دیدگاه همانند پیل های ساخته شده در ایران سه هزار سال پیش بود. دست سازهای پارسی و مادی چون: سنگ تراشی؛ معماری؛ اسلحه سازی؛ زرگری تا پارچه بافی؛ فلزکاری؛ کاشی سازی و ساختن ابزار خانگی چون: صندلی و تختخواب و میز و گلدان های مرمری و ظرف ها و پیکرهای فلزی و بافتن قالی های رنگارنگ و گرانبها زبانزد همه مردمان کشورهای آن روزگار بوده است. باید دانست که برخی از این صنایع را از کشورهایهایی که زیر فرمان شاهان ایران بوده چون: بابلی ها؛ فنیقی ها؛ مصری ها و یونانی ها فرا گرفته و تکمیل می کردند. از سویی دیگر ایرانیان هوشمند از هزاران سال پیش به موسیقی دلبستگی داشته و تارو تنبور می ساخته و از آنها سود می جسته اند تا آنکه باربدها و نکیساهای را پرورش دادند. نا گفته نماند از پیل



مزبور که در بالا گفته شده ضبط صوت و پخش صوت پدید آورده بودند که در شماره بعد از آن سخن به میان خواهد آمد. پیامبر بزرگوار اسلام فرموده: لوکان العلم لثریا لتناولہ رجال من الفارس (اگر دانش در ستاره ثریا باشد پارسیان بدان دست می یابند) (این روایت در کتابهای مسند ابن حنبل - جامع صغیر سیوطی - سفینه البحار ماده فرس ترجمه تاریخ نیشابور به نقل از صحیح مسلم و کتاب سهم ایران در تمدن جهان آمده است پس چه جای آن است که نادانسته و تاریخ نخوانده؛ ایرانیان پیش از اسلام را نادان و بی تمدن و بی فرهنگ بدانیم؟

صدر تمدن و دانش و فرهنگ ایران به همه جهان همه دانشمندان باستان شناس و مردم شناس و پژوهشگران و تاریخنگاران نامدار جهان چون: هرودوت؛ پلوتارک؛ افلاطون؛ ارسطو؛ پروفیسور هرتسفلد؛ سرآرتور کیث؛ گیرسمنش؛ کریستن سن؛ اردشیر خبر داد و... هم رای و هم صدا نظر می دهند که تمدن و فرهنگ و هنر از کرانه خاورمیانه سرچشمه گرفته که ایران سهمی بزرگ به اندازه هفت دهم آن را پدید آورده است. اگر بیگانگان نادان چون اسکندر مقدونی و دیگران در یورش های خود؛ کتابخانه های ایران را که در بر دارنده آگاهی های گسترده از پیشرفت های علمی و فرهنگی و فنی و هنر بود به آتش نمی کشیدند از بین نمی بردند؛ امروز نیازی به کاوش ها و کند و کاوهای پرهزینه نبود. اسکندر پس از گشودن ایران؛ دستور داده کتابهای پر ارج پزشکی؛ علمی؛ فنی و هنری را از کتابخانه های ایران برداشته و به یونان فرستاده و بازمانده را به آتش کشیده. از برکت همان کتابهای پر ارج ایرانی؛ ارسطوها؛ افلاطون ها؛ ادیسه ها؛ پدیدار گشتند و تمدن و فرهنگ ما به نام آنها نگاشته شد و غربی ها تمدن جهان را از یونان دانستند؛ در حالی که همه فرهنگ و تمدن یونان از ایرانیان است. پروفیسور هرتسفلد و سرآرتور کیث؛ ایران را مرکز تمدن و فرهنگ پیش از تاریخ می دانند و در این باره چنین می گویند: {از این که فلات ایران در واپسین مرحله عصر حجر (در واپسین هزاره پنجم پیش از میلاد) تمدنی بسیار پیشرفته بوده هیچ تردیدی نیست.} پروفیسور گردن چابلو می گوید: "اسب برای نخستین بار در فلات ایران اهلی شده است" در غاری که در این پسین نزدیک کرمانشاه به وسیله فرانک هول استاد دانشگاه وراین تگزاس پیدا شده؛ استخوانهای اسب در پیدایش کند و کاو با بازمانده های انسان های 20/000 سال پیش یافت شده است (بررسی های تاریخی شماره مخصوص؛ تاریخ زندگی اقتصادی روستائیان ایران) 8000 سال پیش از میلاد پدید آوردن گونه های دهنه و زین و رکاب از ایرانیان است. برای نخستین بار ایرانیان تخم یونجه؛ گل لاله؛ گل سرخ؛ یاسمین و درختان میوه ای چون؛ بادام؛ گردو؛ انجیر؛ انار؛ هلو؛ انگور و داروهای ارزنده مانند: ترنجبین؛ شکر؛ تیغال؛ بازریچه؛ بارزرد؛ مازو؛ وسمه را در 6000 سال پیش ایرانیان به اروپا و جاهای دیگر جهان بردند (مجله دانشمند 138 و کتاب نقش ایران در تمدن اسلامی نوشته دکتر علی سامی) در جنوب کوه های زاگرس و شمال خوزستان در 130 کیلومتری اندیمشک؛ کاوش های علمی که در زمینه پیوستگی بین کشاورزی کهن و نوین ایران انجام شده در این کاوش ها؛ نشان هایی از گندم و نباتات مربوط به 8000 سال پیش به دست آمده است. در همین کرانه سنگ آسیاب نیز برای خرد کردن و آرد نمودن غلات و حبوبات و برخی از نباتات پیدا شده است. نشانه هایی که در این بررسی علمی به دست آمده بیشتر مربوط به 9000 تا 7500 سال پیش از میلاد بوده است (مجله دانشمند شماره 138 و کتاب تاریخ تمدن و فرهنگ ایران؛ انتشارات اقبال ص 122 و 123) ایرانیان در فن آبیاری و کندن کاریز (قنات) پیشگام تر از همه ملتهای جهان هستند و این فن نخست از ایران به ترکستان و آفریقا برده شد. دانشمندان با هم هم رای هستند که سرچشمه آسیاب بادی از ایران می باشد بنا به نوشته هرودوت و تاریخنگاران کهن؛ ایرانیان نخستین ملتی هستند که از نیروی باد برای بدست آوردن انرژی و بالا کشیدن آب از چاه و آرد کردن گندم سود جسته اند (بررسی های تاریخی شماره مخصوص؛ سهم ایران در تمدن جهان) پروفیسور پوپ در

کتاب) شاهکارهای هنری ایران می نویسد): "مدارک موجود انگیزه اثبات فرضیه های چندین سال پسین است بر این که کشاورزی و صنایع پیوسته به آن یعنی کوزه گری و بافندگی و قالی بافی و فن پزشکی از فلات ایران آغاز شده است" (بررسی های تاریخی و سهم ایران در تمدن جهان) یافته هایی که در قلعه جرمو و تپه گوره و تپه حسنلو و دیگر جاهای ایران یافت شده که در کوهستان های ایران برپا شده بودند از چند راه روشن می سازد که تمدن ایران دست کم 500 سال از مصر و 1000 سال از هند و 2000 سال از چین پیشتر بوده است (بررسی های تاریخی و تاریخ تمدن و فرهنگ ایران) ایرانیان نخستین ملتی هستند که به صنعت نساجی (پارچه بافی) پی بردند و در هیچ جا بهتر از صنعت نساجی نمی توان که روح کنجکاوی و پیشرفته و تازه جو و پیشرفت خواه ایرانی را دید. کند و کاوی که در سال 1950 در غار کمربندی در نزدیکی دریای خزر به وسیله پروفیسور کارلتون کون انجام شده روشن می سازد که ایرانیان پیشم گوسفند و بز را در همان دوره غارنشینی به صورت پارچه می بافتند و دیرینگی این پارچه را با آزمایش با کربن 14 چیزی در مرز 6500 سال پیش از میلادبا 200 سال کم و بیش تعیین شده است. در کند و کاوهای پسین که در کرانه های گوناگون ایران انجام شده؛ لنگر ها و دوک های نخ تابنی به دست آمده که گواه بر وجود کارگاه های نساجی در ایران آن زمان می باشد. ایرانیان نخستین مردمی هستند که نم و گلیم و پس از آن قالی بافی را آغاز کردند. اکنون که قالی های روزگار هخامنشی در (پازیریک) به دست آمده پیشگام بودن ایران را در این صنعت به گونه ای کامل روشن می سازد همه هنرمندان جهان هم رای هستند که قالی های ایرانی به عنوان زیباترین چیزی که تاکنون به دست بشر ساخته شده به خوبی مورد پذیرش است. در یکی از تالارهای کاخ کسری؛ فرش (بهارستان) گسترده شده بود که 26 متر درازا و 24 متر پهنا داشت و با گوهر های گرانبها انواع گل ها را روی آن بکار برده بودند که برگ گل ها از زمرد؛ غنچه ها از مروارید و یاقوت و دیگر گوهر ها ساخته و بافته شده بود. ایرانیان در صنعت نخستین فن رنگرزی؛ صباغی رنگرزی پارچه ها؛ سرامیک و لعاب و در فن بوجود آوردن رنگ های زیبا بر سفال و کاشی پیشگام و استاد و صادر کننده این صنایع و هنر به جهان بوده اند) تاریخ ایران از ماد تا پهلوی و تاریخ تمدن و فرهنگ ایران و سهم ایران در تمدن جهان و بررسی های تاریخی شماره مخصوص) مینا کاری که یک رشته از صنعت لعاب دادن روی ظروف سفالین است به گفته همه پژوهشگران در ایران پدید آمده و به کشورهای جهان برده شده است و همین ایرانیان بودند که روشن درست کردن رنگهای ثابت و زیبا را با سود جستن از رنگ های فلزی گوناگون و چند بار سود جستن از کوره را با درجه گرماهای گوناگون آموختند و همین کار را روی ظروف فلزی نیز انجام دادند. آراستن طلا و نقره و برنج نیز از ایرانیان است که از این ایران به میاندورود و مصر و سوریه برده شد و عرب ها این فن را عجمی می نامند. وقتی که این صنعت را ایرانیان به ونیس بردند و در آنجا رواج دادند؛ شناخته شد که در واقع از تیره ایرانیان گرفته شده است.